



# BLACKEST NIGHT



7  
OF 8  
APR '10



GEOFF  
JOHNS  
IVAN  
REIS  
OCLAIR  
ALBERT  
JOE  
PRADO





کست سپتی

تو پیرترین موجود  
دنیای ما هستی. پس از تباطت  
با نور سفید نسبت به بقیه  
قوی تره.



ولی اونو  
مثل احساسات  
خودتون در  
نقطه ای عمیق  
دفع کردید.  
مثل کسانی  
که تو این دنیا  
مرده ها رو دفع  
می کنند.



من...

چرا قول دادی  
از جهان هستی دفاع  
کنی؟  
چرا توران دیاپی  
رو سخت جنگیدی  
تا حیاتی رو نجات بدی  
که زندگی نکردی  
مخلوق؟



...یادم نمیداد.





چقدر شوکه کننده. اشعه های ما در برابر نگرین اثری ندارند همونطور که در برابر باتری سیاه بی اثرند. آگ چیزی باشه اینه که داره از شون لذت می بره.

نه به اندازه من! پرواز کنید میمون های من!

ارتباط قطع شد.

ارتباط قطع شد.

AAANIEEE!

نگرین از چیزی لذت نمی بره سینسترو.

نگهبان ها هم اینطور نیستند. مردم من زمانی اینطور بودند.

خیلی وقت پیش شون رو حسن می کردم اترو سینتوس امیدوار بودم دوباره حسن کنم. قرار نیست اینطور بشه.

من داس اونو می خوام نگهبان! اونو برام بیار!

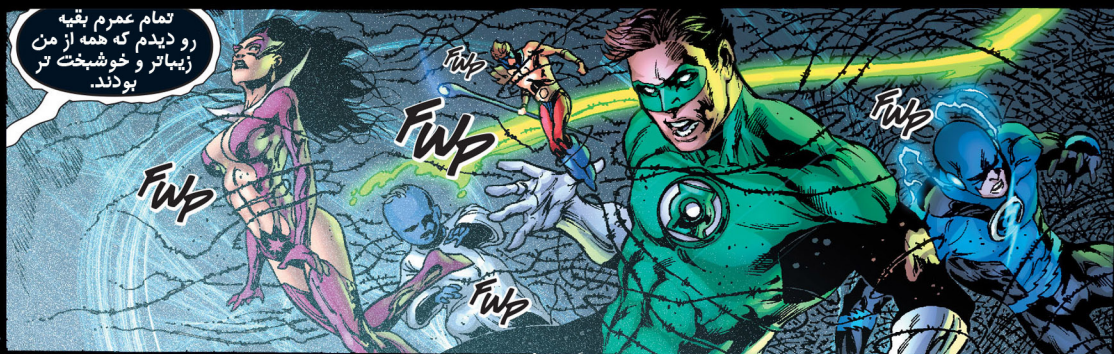
من نوکر تو نیستم لارقلیز. نه تا زمانی که نگرین سقوط نکرده.

انکار اینجا به چشم نمیام. ولی نگرین به هیچکدوم از ما نگاه نمی کنه.

چون نگرین مثل پلیدی های دیگه نیست که هر روز ریشه کن می کنیم اتم. اون قرار نیست برامون سخنرانی کنه و بهمون پیشنهاد بده.

ولی این کارو می کنم لانترن ها.





تمام عمرم بقیه  
رو دیدم که همه از من  
زیباتر و خوشبخت تر  
بودند.

زندگی طرف بعضی ها  
رو می گیره و بقیه رو  
نادیده می گیره.

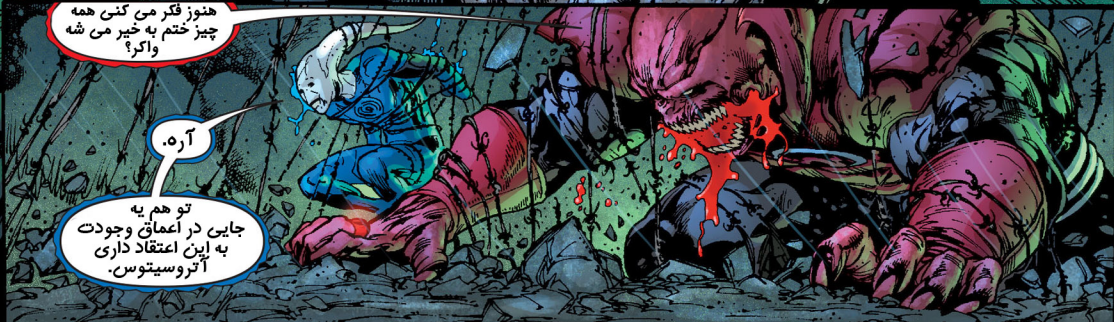
ولی وقتی نوبت به مرگ  
برسه جایگاه های نسبی ما اهمیتی  
ندارند. در مرگ ما همه یکسان  
هستیم. همه سرد و خاموش.



هنوز فکر می کنی همه  
چیز ختم به خیر می شه  
واکرا؟

آره.

تو هم به  
جایی در اعماق وجودت  
به این اعتقاد داری  
آتروسیتوس.



تو رو یادم  
میاد.

منم تو رو  
یادم میاد زمینی.  
تو دروازه سیاهی هستی.  
خیلی وقت پیش سعی  
کردم تمومش کنم...





قلب کجاست؟

AAAAHHH!



حلقه اش قلبشه.



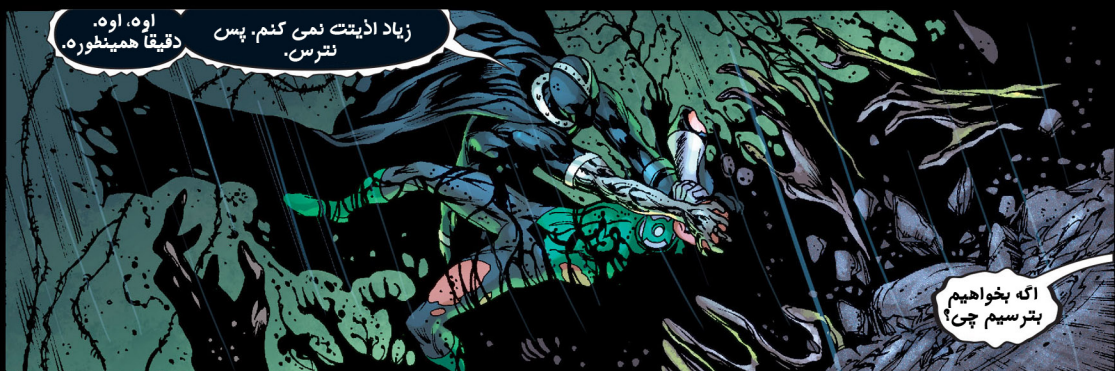
حریص نباش چور دن. به تو زمان بیشتری داده شد که لیاقتش رو نداشتی. حالا تو همون آشغال دونی که پدرت و پدرم توش هستند می ری..

اجتناب ناپذیره. همه موجودات زنده می میرند. بعضی ها به شکلی وحشتناک بعد از زندگی های وحشتناک. من دارم اونها رو از تحمل سالها درد و بدبختی نجات می دم.



زندگی همش نابودی و اندوه نیست...

مگر اینکه تو بخوای اونطور ببینیش.



زیاد ادبیت نمی کنم. پس نترس. اوه. اوه. دقیقاً همینطور.

اگه بخوایم بترسیم چی؟





برای اولین بار در زندگی  
تکتیک بارم احساس می کنم  
زنده ام!

من فریاد می خوام!  
فریاد شماها!

تو و  
دورو بریات سکوت  
می خواهید؟

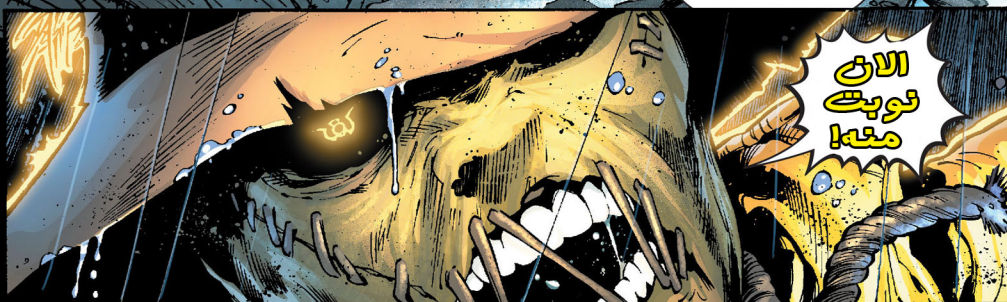


مترسکه؟

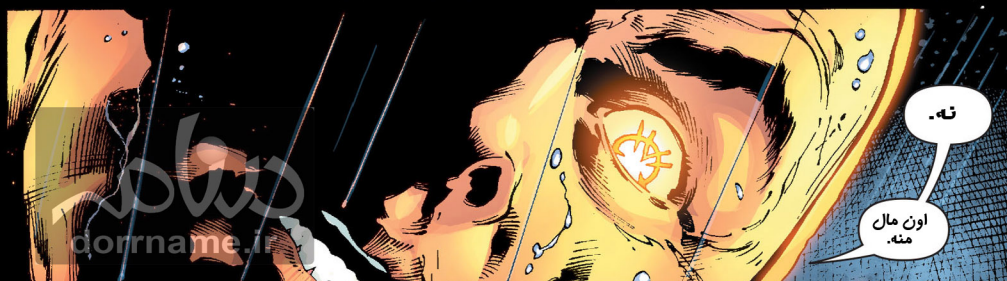
منتظر چی هستی لوتر؟  
الان این فرصتو داری که یه کار  
خوب انجام بدی.

یا اینطور  
در موردش فکر  
کن لکس.

اگه الان ملحق  
نشی دیگه دنیایی وجود  
نخواهد داشت تا توش  
خودی نشون بدی.



الان  
نوبت  
منه!



نه.

اون مال  
منه.

دورنامه  
dorrname.ir





مال منه!



لو تر چه  
غلطی داره  
می کنه؟!!

اون جذب  
نیروی نور نارنجی  
شده.



بده اش به من  
کرین!

هی! هی!  
قرار نیست از  
این کارا بکنی...!



اون  
حلقه  
رو بده به من!



NOOOOOO!!!













لعنتی





از چاله در  
اومدیم افتادیم  
توی چاه.



حمله رو متوقف کن لنترن  
سبز. الان زمان جنگیدن  
علیه یه موجود زنده دیگه  
نیست.

سعی کن  
اینو به فرما  
بگی ایندی.

ارتباط قطع  
شد.



هیچکدوم از شما  
هیچی به کسی  
نمی گه آقای گاردنر.  
ولوم اینجا  
دست منه.



ارتباط قطع  
شد.



مطمئنم  
نمی خواهی با  
کیلوک وارد  
مسابقه فریاد  
بشی.

لنترن ها.  
گوش کنید.



...این فانوس های  
سیاه از دنیاها یکی پس از  
دیگری تغذیه می کنند، و اونها  
رو به گورستان هایی به بزرگی سیارات  
تبدیل می کنند...

...به همین خاطر بهتون  
دستور می دم که حلقه اتحاد  
با سپاهیان فانوس سبز رو به دیگر  
فانوس ها بسط بدید...

اگه این پیام  
ضبط شده رو می شنوید،  
شرایط از چیزی که پیش بینی  
شده بود، بدتره...

...در خدمت  
تمامی رشته های  
عشق در کل هستی  
باشیم...

...همه  
چیز درست  
می شه.

...ولی اگه ما  
به عنوان یک سیاه  
متحد بشیم و در قالب  
نور ترکیبی ظاهر  
باشیم...

به عنوان یه سیاه  
به همین خیال  
باشید.

اگر سپاهیان فانوس سبز  
به تنهایی این جنگ رو پیش  
ببرند، هر کدام از شما باید بدون  
پشتیبان با سه میلیارد و چهارصد  
هزار و بیست و سه لنترن  
سیاه رو در رو بشید.

ولی اگه مثل پسرها و دخترهای خوب با هم  
متحد بشیم، چند تا از این مرده های حلقه به دست  
رو باید بکشیم و راه خودمونو باز کنیم؟

یعنی این بهتره؟

دو میلیارد  
و هفتصد و دوازده  
هزار و نهصد و  
نوزده.

دلیل خوبی  
برای این کار  
دارند کایل،  
ندارند...؟

فکر می کنید اونها  
واقعا از ما حمایت  
می کنند؟





...و آخرش مثل  
اونها می شیم.

از تباد قطع  
شد.

از تباد قطع  
شد.



یه چیزی رو حس می کنم که درونم  
عمل می کنه. اگه یه جوری بتونم با یکه لمس  
این لنترن های سیاه رو از بین ببرم...

...شاید  
بتونم  
منبع نیروی  
اونها رو از  
بین ببرم...



تکرون-

AAAAAIEE!



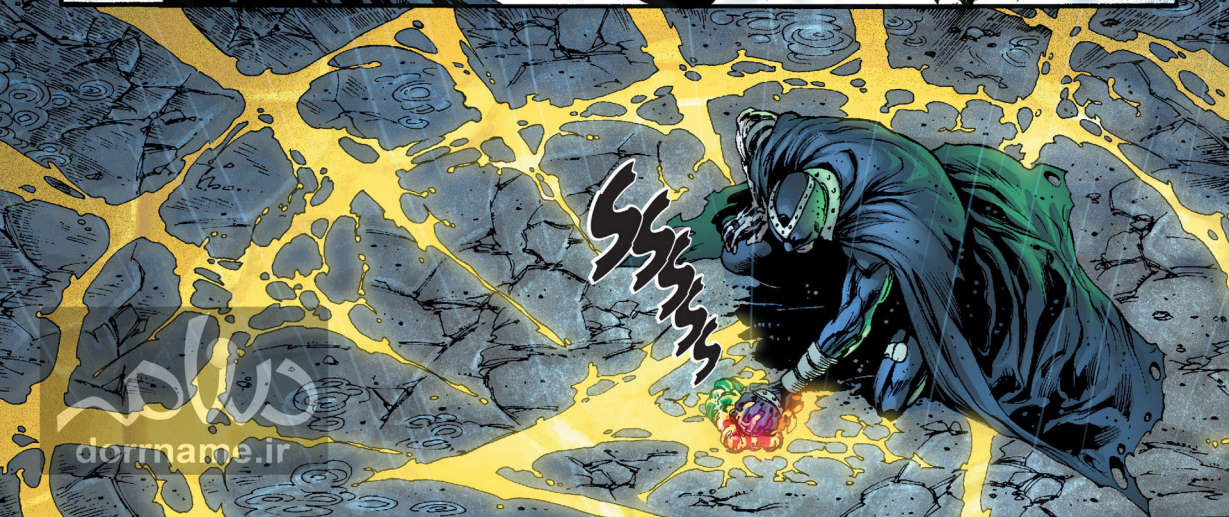
منو  
بیارید  
بیرون-

سایپر که...  
یه چیزی...یه  
کسی...اون تونه.

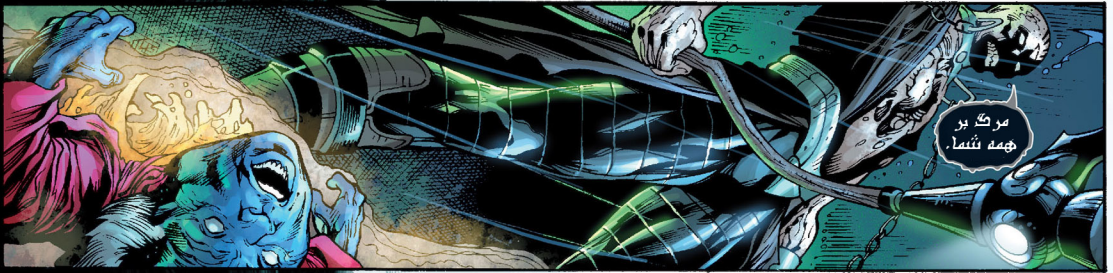




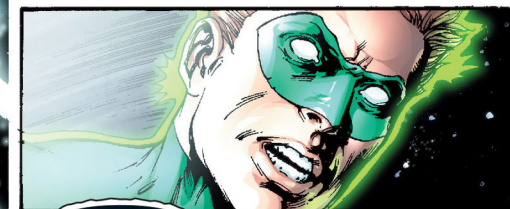












اون گفت  
نور جاری بشه.  
و شد.



هر چی باشه! خیلی نورانیه.  
می خوامش!



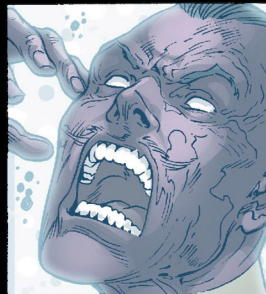
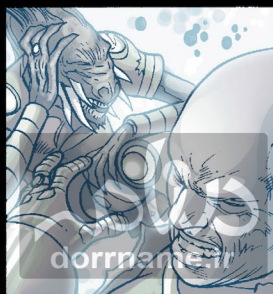
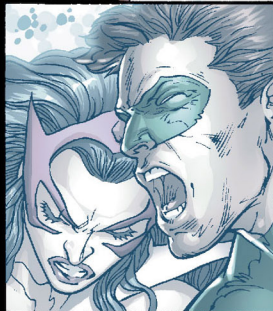
من به چیز جدید  
می خوام انسان.  
نه.

زندگی تو  
رو می خوام!



زندگی همشونو  
می خوام.  
متجاوز ها.









این چیه؟

موجود

موجود؟

نور زنده موهبتی  
به این جهان بخشید که  
آغازگر وجود شد.

شاید نگهبانان قدیمی ترین  
موجودات زنده باشند، ولی  
حیات در جهان ما شروع  
نشد.

حیات در  
زمین شکل  
گرفت.

ما این واقعیت  
رو مدفون کردیم تا از  
موجود محافظت کنیم.



همونطور که پارالاکس  
رو تو باتری مرکزی  
دفن کردید؟ همونطور  
که کشتار بخش ۶۶۶ رو  
پنهان کردید؟

مصمم بودیم که توجه  
به سمت زمین معطوف  
بشه. ما نهایت تلاشمون رو  
کردیم تا انسان ها رو از  
سپاه فانوس سبز دور  
کنیم...

شماها گذاشتید دوست  
من به همراه من بمیره.  
بعد فکر می کنید اون دیوانه بوده.  
تا زمان آپین سور. وقتی  
اون مرد همه اینها رو می دونست مگه نه؟  
به همین دلیل به این دنیای منحوس. اومد

آپین سور رو نابود کردید تا از دروغ  
خودتون محافظت کنید!  
شما گذاشتید  
جهانیان فکر کنند حیات  
تو جهان شما ایجاد شده تا  
اعتبار شما افزایش پیدا  
کنه!



سینسترو..!

حالا نوبت  
منه!





وقتی نکرون به  
موجود حمله می کنه... ما درد  
رو حس می کنیم.

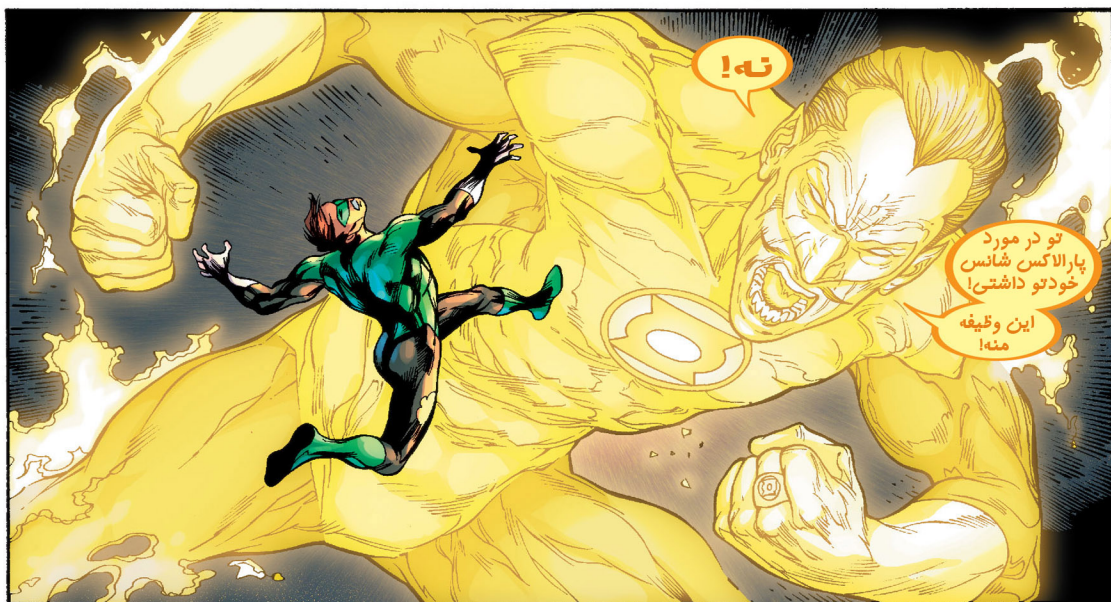
چون ما همه  
به هم مرتبطیم. همه ما  
زنده هستیم. همه موجودات  
زنده جهان هستی دارن  
می میرند.

چرا  
دفاع  
نمی کنه؟

همین... بری.  
موجود. اون مثل پارالاکس  
و یونه. یه نیروی زنده. و  
نکرون اونو برامون  
نیش قبر کرد.

فقط یه  
خلبان  
می خواد.









من از همه  
لنترن ها  
قوی تر  
هستم

قوی تر  
از همه

سرنوشت  
در انتظاره.